

نوفرو شانیم و این بازار ماست

جستارهایی درباره‌ی ادبیات زنانه

دکتر قدمعلی سرامی

دکتر مهری تلخابی

نشر ترفند

سرشناسه	سرامی، قدمعلی، ۱۳۲۲-
مشخصات نشر	نوفروشانیم و این بازار ماست: جستارهایی درباره‌ی ادبیات زنانه / قدمعلی سرامی، مهری تلخابی.
مشخصات نشر	تهران: ترفند، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۱۰۹ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	انتشارات ترفند.
شابک	۹-۵۹۶۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۰۵] - ۱۰۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	زنان در ادبیات
موضوع	عشق در ادبیات
موضوع	عرفان در ادبیات
موضوع	زنان شاعر ایرانی
موضوع	ادبیات فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	تلخابی، مهری، ۱۳۵۷-
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۲ ۴۸۳/۳۴۴۵ PIR
رده‌بندی دیویی	۰/۹۳۵۲۰۴۲۱۸
شماره‌ی کتابشناسی	۳۰۵۲۳۸۶



تلفن: ۰۹۱۲۱۲۳۳۰۶۸-۶۶۰۲۲۲۶۵

www.erfand.persianbook.net

نوفروشانیم و این بازار ماست

جستارهایی درباره‌ی ادبیات زنانه

دکتر مهری تلخابی

دکتر قدمعلی سرامی

(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خدابنده)

(دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان)

ویراستار انگلیسی شامین دهقان • ویراستار و نسخه‌پرداز ناهید سلیمانی

طراح جلد امیریارشار عبدالله‌زاده

واژه‌نگار و صفحه‌آرا ورجاوند • مدیرتولید نیایش سرامی

نوبت چاپ نخست ۱۳۹۲ • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۶۰۰۰ تومان • شماره نشر ۱۱۴

شابک ۹-۵۹۶۳-۶۰۰-۹۷۸

© حق چاپ: ۱۳۹۲، انتشارات ترفند

فهرست

سرسخن ۷

رابعه در گذار از پل مجاز ۹

مثلث عشق: آتش، اشک و خون ۳۱

جلوه‌های مادری در شعر پروین اعتصامی ۵۶

نگرش دوگانه‌ی شعر فارسی به زن ۷۱

زن حلقه‌ی ادبیات و پروین نغین آن ۹۹

کتاب‌نما ۱۰۵

Woman, The Latest Hoop of The Chain of Evolution 2

سر سخن

نوشتم صفر، خالش خنده بر کرد
نوشتم یک، قدش را راست تر کرد
نوشتم پنج، دیدم از سر زلف
دل ما را به صد خواری به در کرد

این ترانه را، در خزان سال سی و هفت سروده‌ام؛ پنجاه و سه سال پیش از این. حالا می‌اندیشم، اگر چهار هجاها «دوستت دارم» را در پنج دل ضرب کنم، به بیست که «بالا تر از آن نمره‌ای نیست» رسیده‌ام. راستی حقیقت زندگانی جز آوردن این نمره چیست؟ فکر نمی‌کنم کسی که این نمره را آورده باشد، باز هم ناخرسندی را به حریم وجود خویش راه دهد. با آمدن عشق به راستی اضداد پا به فرار می‌گذارند و از آن میان شکر و شکایت هم جاخالی می‌کنند. بزرگ‌ترین هنر عشق همین کلک دوگانگی‌ها را کندن است. همین به یگانگی رسیدن خود آگاهی و ناخود آگاهی است. عشق است که وحدت تقدیر و تدبیر را به سامان می‌آورد. عاشق که شدی باز هم هر جایی و هیچ جایی خواهی بود. عشق یعنی رستن از تعین جزء و گم شدن در بی‌تعینی کل. یعنی بازگشتن از هر شمار به یک: قامت یار، و از یک: قامت یار به صفر: هیچ بی‌شمار: خال: نیروانا: ظلمات، سکوت!

آب حیات، ناب لبات

خواب ممات، جوهر ذات،

۸ نوفرشانیم و این بازار ماست

ذهن سکون، عین ثبات!
گیجی گنگ، حیرت ماست!
حضرت غیب، لالش ولات!
تاهل، از لات و منات!
به راستی از خال به خدای متعال راه نبردیم؟
اگر میم من،
سر به پای الف قامت یار بگذارد
تا منزل «ماه» راه می‌سپارد
بی‌که پایی بردارد
مرا همین گم شدن، در «ماه» بس است.
نون من، از آن شما باد!

وقتی هماندیشی میان آدم‌ها باشد، دیگر هر کدام به سهم خود فکر نمی‌کنند که هیچ، خیال‌شان هم جمع است که هرچه آفریده‌اند جز گفت‌وگویی یگانه نیست. من می‌گویم، تو می‌شنوی و تو می‌گویی و من می‌شنوم، در این میان آنچه به حاصل می‌آید از آن من و توست. نه تنها من نه تنها تو، اما هم من و هم تو.

چونین است که جستارهای این مجموعه را به خیراندگان مان پیشکش می‌کنیم و امید می‌داریم که این دو تا هزاران بی‌الد و همزمان یگانگی و یگانگی‌ها را بیالاند. شادروان هادی رنجی راست سروده بود که:

به ناامیدی از این در مرو، امید این جاست
مضاعف عدد قفل‌ها کلید این جاست!